



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۷۸ - ۹ ژوئن ۱۹۹۹ - دوره سوم - شماره ۲۰۹
KAR. No. 209 Wednesday 9 Jun 1999

مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۰۹ - چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۷۸

سرمقاله

ایران برای همه ایرانیان!

یادداشت

جنبش دانشجویی
نیروی بزرگ دمکراسی در ایران

تظاهرات دانشجویی دهها شهر را فرا گرفت

زورآزمایی تازه دشمنان آزادی با مطبوعات
چندین مدیر روزنامه‌های اصلاح‌طلب به دادگاه فرا خوانده شدند

در یک حکم آشکارا مقابله‌جویانه با خواست مردم
خامنه‌ای رئیس صدا و سیما را ابقا کرد

مجلس، دادگاه ویژه روحانیت را قانونی کرد

خزعلی: هر چه شورای نگهبان گفت، همان است!

دادگاه سردار نقدی دور از چشم مردم جریان دارد
هراسان از برهم خوردن ((نظم عمومی))

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به‌دفاع از مطبوعات مستقل و منتقد برخیزیم!

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

ایران برای همه ایرانیان!

هفته گذشته آقای خاتمی رئیس جمهور با وزیر اطلاعات و مسئولین این وزارتخانه دیدار کرد. در این دیدار، سخنی از ضرورت پیگیری تحقیقات پیرامون قتل‌های پاییز گذشته به میان نیامد، رئیس‌جمهور به سکوت خود در این زمینه، در دیدار با مسئولین وزارت‌خانه‌ای که ((محاقل)) وابسته به آن این جنایات را سازمان داده‌اند، نیز ادامه داد، اما در عوض تاکید کرد که ایران برای ((جاسوسان و براندازان)) نباید امن باشد. کاربرد واژه ((برانداز)) در کنار ((جاسوس)) از سوی رئیس‌جمهور اسلامی نشانگر این است که وی می‌خواهد القا کند این هر دو از یک جنسند و هر ((برانداز))ی، عامل بیگانه و جاسوس و نظیر آن است. همچنین استفاده از این واژه در توصیف مخالفین حکومت، برای آن است که بگویند و به مردم بباوراندند که همه مخالفین حکومت، گروهی توطئه‌گر هستند که می‌خواهند بطور مخفیانه و با توسل به اسلحه و قهر و خشونت رژیم را ((براندازند)). نه آقای خاتمی و نه هیچ یک از اصلاح‌طلبانی که مدافع این تئوری هستند، نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند که بخش بزرگی از مخالفین حکومت، هیچ اسلحه‌ای در دست ندارند و اتکای آنان فقط به روشنگری و قصدشان مبارزه سیاسی است. آیا این سرسختی در برابر واقعیت برای آن نیست که چهره واقعی کسانی که اسلحه در دست دارند و هر مخالفی را به قدرت آن سرکوب می‌کنند، پنهان سازد؟

ما می‌خواهیم در این مقاله از حقوق ((برانداز)) دفاع کنیم. زیرا همان‌طور که رئیس‌جمهور اسلامی گفته است و وزارت اطلاعات بدان عمل می‌کند، ((برانداز)) از هیچ حقوقی در ایران برخوردار نیست و با او تنها به زبان اسلحه سخن گفته می‌شود.

مسئولان حکومت اسلامی، کمتر مایلند واژه ((برانداز)) را معنی کنند، اما آن را معمولاً معادل با گروه‌های اپوزیسیونی می‌دانند که با حکومت اسلامی مخالفند. ((برانداز)) در جمهوری اسلامی عملاً معنایی وسیع‌تر دارد و طیف گسترده‌تری را شامل می‌شود. تنگ‌نظری بسیار شدید نیروهای حکومت در تعیین مرزهای ((خودی)) و ((غیرخودی)) و سرکوب مستمر مخالفین حکومت، باعث شده است هر کس که جمهوری اسلامی را قبول ندارد ((برانداز)) بشمار آید و فرمان به براندازی آن داده می‌شود.

حکومت در این زمینه اتفاق نظر دارد و ظاهراً هر بحثی را زاید می‌داند که مخالفین حکومت نباید از هیچ حقی، حتی حق زندگی در ایران، برخوردار باشند. اما به راستی چه کسی در این میان باید محکوم شود، آن که حق خود را می‌خواهد یا آن که او را از این حق محروم کرده است؟ مردمی که حکومت را نمی‌خواهند یا حکومتی که به آنان اجازه ابراز عقیده آزادانه و فعالیت سیاسی آزادانه برای تحقق هدف‌های خود نمی‌دهد؟

مقررات خودساخته حکومت اسلامی به گونه‌ای است که تنها دو راه را پیش پای مردم ایران قرار می‌دهد، یا مدافعه از حکومت یا مقابله غیرقانونی با آن. زیرا برای کسی که با این حکومت مخالف است، جایی جهت فعالیت آزادانه، علنی و مسالمت‌آمیز وجود ندارد. مطابق تمامی قوانین حکومت اسلامی، مخالفت با حکومت جرم است و بسته به میزان مخالفت، سرکوب می‌شود. در ایران مردم آزادند یا از دولت دفاع کنند یا از مجلس و قوه قضائیه و ولایت فقیه، یا مدافع این جناح باشند، یا مدافع آن جناح. اگر نیز با هیچ کدام از جناح‌ها سرسازگاری ندارند، باید به جمهوری اسلامی تن دهند، خارج از این دایره هیچ چیز مجاز نیست.

واقعیت این است که دموکراسی مورد نظر رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب تنها شامل کسانی است که جمهوری اسلامی را پذیرفته‌اند و به تعبیری ((خودی)) هستند و یا در بهترین حالت علیه آن سخنی به میان نمی‌آورند. بیرون از این دایره، هنوز کمتر اصلاح‌طلبی شهادت سخن گفتن از حقوق مخالفان را یافته است. اصلاح‌طلبان می‌کوشند این نقیصه بزرگ در اندیشه و عمل خود را ظاهراً با تمسک به قانون حل کنند و چند صباحی است که از ((حقوق قانونی)) کسانی که قانون را پذیرفته‌اند سخن می‌گویند. اما آن‌ها به این طریق راهی را نمی‌گشایند، تنها دایره بسته را اندکی وسیع‌تر می‌سازند زیرا مشکل این جاست که قوانین جمهوری اسلامی که وفاداری به آن‌ها طلب می‌شود، از یک سو ((برانداز)) پرور است و از سوی دیگر به صراحت حکم به براندازی ((برانداز))ها می‌دهد!

آقای رئیس‌جمهور که مسئولین وزارت اطلاعات را به سرکوب ((برانداز))ان تشویق می‌کند، توضیح نمی‌دهد حق مخالفت با حکومت را می‌پذیرد یا نه؟ آیا از نظر او همه مردم ایران محکومند که به این رژیم تن بدهند یا حق دارند بطور دموکراتیک، مسالمت‌آمیز و قانونی برای تغییر آن فعالیت کنند؟ ما بارها اعلام کرده‌ایم با این حکومت مخالفیم و می‌خواهیم یک حکومت دموکراتیک در کشور تشکیل شود و رای مردم اساس همه چیز باشد، ما این را نیز اعلام کرده‌ایم که می‌خواهیم این هدف خویش را بطور مسالمت‌آمیز در کشور خود و به طور آزادانه دنبال کنیم. اما اکنون آقای رئیس‌جمهور به مامورین وزارت اطلاعات خود دستور می‌دهد که ایران را برای ما و دیگرانی که مثل ما می‌اندیشند، همچنان ناامن نگاه دارند.

آنان که امروز برای مبارزه با مخالفین خود به چنین راه‌حل‌های سرکوب‌گرانه‌ای متوسل می‌شوند گام در راهی گذارده‌اند که خود نیز از زمره قربانیان آن خواهند بود. ((برانداز)) یک مفهوم نسبی است و می‌تواند در دست هر

گروهی بنا به تمایل خویش ابزاری برای سرکوب دیگران باشد. شاید آقای خاتمی و هواداران او در کاربرد این واژه و متصف کردن دیگران به آن اندکی احتیاط به خرج بدهند و برخی از جریانات ((غیرخودی)) را مشمول این واژه ترسناک و مهیب نسازند، اما مگر آن‌ها تنها نیروهایی هستند که در ایران در حکومت شریکند، مگر همین روزنامه‌های جبهه ارتجاع و رهبران حزب‌الله، اصلاح‌طلبان حکومتی را نیز مستقیم و غیرمستقیم به تلاش برای براندازی رژیم، به ((خط‌گرفتن)) از بیگانگان متهم نمی‌کنند؟

تاسف‌آور است که رئیس‌جمهور در دیدار با مسئولان وزارت‌خانه‌ای که کارنامه‌ای بسیار سیاه در سرکوب و کشتار دگراندیشان و مخالفان داشته است، به جای تاکید بر حقوق مخالفین و به جای پرهیز دادن از پیگرد و سرکوب دائم آنان، از ناامن کردن کشور برای آنان سخن به میان می‌آورد. این وزارت‌خانه احتیاج به چنین رهنمودهایی ندارد، بیست سال است که چنین کرده است و کشتار نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران در پاییز سال گذشته را نیز دقیقا با همین هدف انجام داد که ایران را برای مخالفان و مخالفت ناامن سازد. به دنبال همین سخنان بود که مسئولان وزارت اطلاعات موج تازه‌ای از تهدید به راه انداختند و گفتند و تکرار کردند که اجازه نخواهند داد، ((غیرخودی‌ها))، و ((معاندین)) در ایران از حقوق شهروندی برخوردار باشند. این تهدیدات به ویژه با نزدیک شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی تشدید می‌شود و مسئولان وزارت اطلاعات که معلوم نیست چه حقی دارند این گونه آشکارا در امور مربوط به انتخابات مجلس شورا دخالت کنند، هم‌صدا با روحانیون مرتجع و سران جناح محافظه‌کار خط و نشان می‌کشند مانع ((نفوذ غیرخودی))ها به مجلس و مراکز دیگر خواهند شد. ما با احساس مسئولیت عمیق نسبت به شرایط حساسی که کشور ما در آن قرار دارد، بار دیگر این واقعیت را مورد تاکید قرار می‌دهیم که چنین راهی ایران را به سوی دموکراسی، ثبات و آرامش نخواهد برد. با این روش ایران ((امن)) نخواهد شد و ناامنی ادامه خواهد یافت. هر برنامه‌ای که خواهد ایران را به سوی دموکراسی، آرامش و امنیت رهنمون سازد، به اعتقاد ما باید موارد زیر را در نظر گیرد:

۱. ایران به همه ایرانیان تعلق دارد و هیچ‌کس از جمله آقای رئیس‌جمهور اجازه ندارد آن را برای گروهی از ایرانیان به دلیل اعتقاداتی که دارند ((ناامن)) سازد.
۲. مخالفت با حکومت حق دموکراتیک و انسانی هر شهروند ایرانی است. هر انسان ایرانی آزاد است با حکومتی که با آن موافق نیست مبارزه کند و در جهت حکومتی که با آن موافق است فعالیت نماید.
۳. مسئولیت اصلی ایجاد خشونت، بر عهده کسانی است که به اندازه و سهم خود، مانع حاکمیت اراده مردم از طریق انتخاب آزادانه آن‌ها و جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز مخالفین خود می‌شوند. خشونت را تنها زمانی می‌توان مهار کرد که حق فعالیت سیاسی آزادانه همه احزاب و گرایش‌های سیاسی در کشور به رسمیت شناخته شود و توسط قانون مورد حمایت قرار گیرد.
۴. شرط استقرار دموکراسی در کشور و زندگی مسالمت‌آمیز، در آن است که فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بدون توسل به خشونت و اسلحه، به کارگیری زندان و شکنجه و انواع توطئه‌های دیگر صورت گیرد. حکومت و مخالفان آن باید بپذیرند که در مبارزه علیه یکدیگر به اسلحه متوسل نشوند و به جای به کارگیری اسلحه، زندان و شکنجه، قضاوت را به رای مردم واگذارند. رای مردم بالاتر از هر اراده‌ای قرار گیرد و این رای مشروط به هیچ چیز از جمله ((مصالح نظام)) نشود.

یادداشت

جنبش دانشجویی نیروی بزرگ دموکراسی در ایران

از جنبش دانشجویی در کنار مطبوعات به عنوان دومین رکن مهم نهضت دوم خرداد نام می‌برند. واقعیت نیز این است که این جنبش، نیروی بزرگ دموکراسی در ایران است. به رغم ۲۰ سال تلاش جمهوری اسلامی برای خفه کردن صدای آزادیخواهی در دانشگاه‌ها، جنبش دانشجویی جایگاه شایسته خود در پیکار مردم ایران برای دموکراسی را باز یافته است. در شرایطی که تعداد دانشجویان کشور در قیاس با قبل از انقلاب چندین برابر شده است، ولایت فقیه حق دارد که از تصور عواقب گام نهادن صدها هزار دانشجو در عرصه مبارزه بر خود بلرزد. در حالی که پیش از انقلاب، جنبش دانشجویی محدود به شهرهای بزرگ دارای دانشگاه بود، اکنون به برکت سودپرستی صاحبان دانشگاه آزاد (که بازاریان وابسته به جمعیت موقوفه اسلامی و مورد حمایت خامنه‌ای و رفسنجانی‌اند)، در دورافتاده‌ترین شهرهای ایران نیز شعب این دانشگاه دایر است. در این روزها، از بسیاری از این شهرهای دور دست، اخبار مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان می‌رسد.

سرکوب همه احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون و تصفیه خونین دانشگاه‌ها، به انفصال نسبی جنبش فعلی دانشجویی از سنن رزم‌جویانه جنبش دانشجویی در تاریخ معاصر ایران انجامیده است. در سال‌های اخیر، جناح چپ حکومت با استفاده از این خلا و نیز موقعیت خود در انجمن‌های اسلامی و اتحادیه آنها یعنی دفتر

تحکیم وحدت، توانست از حمایت جنبش دانشجویی بهره‌مند شود. همسویی برخی خواست‌های اصلاح‌طلبان حکومتی با بخشی از خواست‌های مردم و دانشجویان، به استقبال بسیاری از دانشجویان مخالف حکومت از فعالیت در نهادهایی مانند انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت انجامید. اکنون در بسیاری از دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی به شکل دانشجویان آزادیخواه، صرفنظر از مواضع ایدئولوژیک آنان تبدیل شده است. بسیاری از دانشجویان غیرمذهبی در چارچوب نهادهایی مانند دفتر تحکیم وحدت یا کانون دانشجویان مسلمان فعالیت می‌کنند.

اما در عین حال، در میان دانشجویان گرایش روزافزون به شکل مستقل دیده می‌شود. دانشجویان، احساس می‌کنند دفتر تحکیم وحدت به خاطر پیشینه آن و روابطی که هنوز با بنیان‌گذاران خود، دانشجویان سابق خط امام و مقام‌های فعلی حکومت دارد، قادر نیست پاسخگوی گستردگی و ژرفای خواست‌های آنان باشد. آنچه تا کنون، بسیاری از دانشجویان را از تاسیس نهادهای مستقل باز داشته است، مخالفت مقامات دانشگاه‌ها با تشکیل چنین نهادهایی است. تشکلهای مستقل دانشجویی، بر خلاف انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت که از سوی مقامات دولتی و دانشگاهی به رسمیت شناخته شده‌اند، از امکانات این نهادها مانند گرفتن اجازه برای برگزاری گردهمایی، گرفتن دفتر و غیره محرومند.

علیرغم این محرومیت‌ها، روند تشکیل انجمن‌های مستقل و غیرمذهبی دانشجویی و دانشگاهی آغاز شده است. به نسبت شدت سرکوبی که حکومت در قبال نیروهای مختلف سیاسی در پیش می‌گیرد، فعالیت گروه‌های دانشجویی متمایل به این نیروها نیز به کار علنی یا مخفی نزدیک‌تر است. اولین حلقه مدار نیروهای خارج از حکومت، گروه‌های ملی و لیبرال‌اند که هر چند هنوز حتی آزادی آنان نیز مورد پذیرش حکومت نیست، اما جنبش دموکراسی، تا حدودی فعالیت آنان را به حکومت تحمیل کرده است. نیروی اصلی فعالیت این گروه‌ها در حال حاضر، دانشجویانی هستند که چارچوب انجمن‌های اسلامی را ترک کرده‌اند و در تشکلهایی مانند اتحادیه دانشجویان و دانش‌آموختگان فعال‌اند. در هفته‌های اخیر، کار این دانشجویان در برگزاری مراسم مختلف بزرگداشت مصدق چشمگیر بوده است. این دانشجویان، بیش از انجمن‌های اسلامی مورد تعرض و سرکوب نیروی انتظامی و انصار حزب‌الله قرار دارند.

علیرغم سرکوب، و با اینکه تیغ سرکوب علیه هواداران نیروهای چپ از شمشیر داموکلس بالای سر ملی‌ها نیز تیزتر است، اولین نشانه‌ها از حرکت‌های مستقل دانشجویان چپ غیرمذهبی نیز دیده می‌شود. دوشنبه سوم خرداد در دانشگاه صنعتی تهران، دانشجویان به نصب و قرائت اشعار احمد شاملو و مقالاتی در بزرگداشت او پرداختند. این مراسم نیز مورد تعرض حزب‌اللهی‌ها قرار گرفت.

بسیاری از دانشجویان چپ غیر مذهبی که هم در گردهمایی‌های اصلاح‌طلبان اسلامی و هم در تجمع‌های ملیون شرکت می‌کنند، در اندیشه حرکت مستقل‌اند. بی‌شک، طیف فعلی تشکلهای قانونی و نیمه‌قانونی دانشجویی، بازتاب وسعت تعلقات سیاسی و ایدئولوژیک دانشجویان نیست. چپ ایران به طور سنتی در دانشگاه‌ها نفوذ گسترده‌ای داشته است و هر قدر هم که اخراج و زندان و شکنجه و اعدام از این نفوذ کاسته باشد، طبیعت و خوی رادیکال و نوجویی و نگرش انتقادی جوانان حکم می‌کند جنبش دانشجویی از پایگاه‌های نیروهای چپ و سوسیالیست باشد. دانشجویان چپ که از یک سو با سوابق چپ‌های مذهبی در حذف نیروهای سیاسی دمکرات ایران آشنا می‌شوند و از سوی دیگر روح عدالت‌پژوهانه آنان را فعالیت در چارچوب تشکلهای ملی‌گرا راضی نمی‌کند، در جستجوی راهی برای شکل و فعالیت مستقل‌اند. ما می‌گوییم داشتن انجمن‌های مستقل، حق همه دانشجویان است. در همان حال، گرد آمدن دانشجویان بر اساس اشتراکات سیاسی و اعتقادی، مانع از فعالیت مشترک برای اهداف مشترک نیست، چنانکه تجربه جاری همگامی، همسویی و در مواردی همکاری دانشجویان مذهبی و غیرمذهبی را نشان می‌دهد. شعار دیرین جنبش دانشجویی ایران، ((اتحاد، مبارزه، پیروزی)) نیز چیزی جز این نمی‌گوید.

دانشجویان چپ غیرمذهبی می‌توانند و باید حق شکل مستقل خود را به مقامات دانشگاهی تحمیل کنند. علاوه بر این، حق دانشجویان است که نهادهای صنفی آنان از زیر چتر تشکلهای اسلامی بیرون آید و در انتخابات این نهادها، گروه‌های مختلف با تعلقات سیاسی و عقیدتی گوناگون بتوانند لیست کاندیداهای خود را معرفی کنند.

تظاهرات دانشجویی ده‌ها شهر را فرا گرفت ماموران انتظامی و اطلاعاتی گروه وسیعی از دانشجویان را دستگیر کردند

دانشجویان خواهان پایان دادن به استبداد و آزادی زندانیان سیاسی و تحقق مطالبات صنفی خود شدند

ده‌ها هزار دانشجو در هفته‌های گذشته با برپایی تظاهرات در شهرهای مختلف کشور، خواهان پایان یافتن استبداد، آزادی زندانیان سیاسی و تحقق مطالبات صنفی خود شدند. با پیوستن دانشجویان دانشگاه آزاد به جنبش دانشجویی، ابعاد این جنبش وسعت بی‌سابقه‌ای یافت و حتی شهرهای کوچک را فرا گرفت. اعتصابات و تظاهرات دانشجویی در همه جا در زیر حملات بی‌وقفه چماق‌داران حزب‌الله و جانبداری نیروهای انتظامی از آنان صورت گرفت و ده‌ها دانشجو دختر و پسر دستگیر و روانه بازداشتگاه‌های نامعلوم شدند. مراجعه دانشجویان به رئیس‌جمهور برای حمایت از خواست‌های آنان تاکنون هیچ پاسخی نیافته است.

تظاهرات در دانشگاه تهران

روز چهارم خرداد ماه به دعوت کمیته دفاع دانشجویان از زندانیان سیاسی و اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایران، تظاهراتی در دانشگاه تهران با شعار آزادی زندانیان سیاسی برگزار شد که مورد حمله چماق‌داران و نیروهای انتظامی قرار گرفت. بیشتر روزنامه‌های تهران درباره این تظاهرات سکوت کردند. روزنامه آریا در گزارش کوتاهی تعداد دانشجویان شرکت کننده در تظاهرات را بیش از پانصد نفر ذکر کرد، اما به گفته شاهدان عینی تعداد دانشجویان بیش از این بوده است. در جریان برگزاری تظاهرات چندین نارنجک دودزا به میان جمعیت پرتاب شد و چماق‌داران بارها به دانشجویان یورش آوردند. یک عضو اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایران و همچنین خانم الهه امیرانتظام در این مراسم سخنرانی کرده و خواستار آزادی محسن کدیور، عباس امیرانتظام و دیگر زندانیان سیاسی در ایران شدند.

به دنبال دستگیری منوچهر محمدی یکی از رهبران اتحادیه ملی دانشجویان در این تظاهرات، دانشجویان دانشگاه تهران تهدید کردند در صورت ادامه بازداشت او، روز یکشنبه ۹ خرداد در دانشگاه تهران تحصن خواهند کرد. منوچهر محمدی چند ساعت پیش از شروع تحصن آزاد شد و ۸ نفر دیگر از دانشجویان دستگیر شدند. در دانشگاه تهران اطلاعیه‌هایی با امضای جعلی مبنی بر انصراف از تحصن به در و دیوارها نصب شد و دانشگاه تهران به محاصره کامل نیروهای انتظامی درآمد. اما دانشجویان علیرغم آن که سازمان دهندگان تحصن را دستگیر کرده بودند، توانستند به مدت کوتاهی در محوطه دانشگاه تظاهرات کنند و درخواست خود مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی تاکید نمایند.

تظاهرات دانشجویان دانشگاه آزاد

در هفته‌های گذشته، در تهران، مشهد، شیراز، قائم‌شهر، ورامین، شهرضا و بسیاری دیگر از شهرهای بزرگ و کوچک ایران که پای دانشگاه آزاد به آنجا باز شده است، صدای آزادیخواهی دانشجویان این دانشگاه به گوش رسید. عبدالله جاسبی رئیس دانشگاه آزاد و از اعضای رهبری جمعیت ارتجاعی مولفه اسلامی، در نماز جمعه دو هفته پیش تهران دانشجویان دانشگاه آزاد را تهدید به سرکوب کرد. جاسبی طی یک سخنرانی در دانشگاه آزاد مشهد مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفت و معترضین به لحن توهین‌آمیز او، شیشه‌های اتومبیلش را شکستند. در دانشکده حقوق دانشگاه آزاد تهران، نصب عکس مصدق در تابلوی اعلانات کانون دانشجویان مسلمان، از معدود تشکل‌هایی که در این دانشگاه اجازه فعالیت دارد، واکنش چماق‌داران و مسئولان دانشگاه را برانگیخت و دفتر کانون مزبور مورد حمله حزب‌اللهی‌ها قرار گرفت.

همچنین در هفته‌های گذشته چندین مورد راهپیمایی و تظاهرات دانشجویان دانشگاه آزاد در اعتراض به وضعیت بد معیشتی آنان صورت گرفته است. مطبوعات تهران می‌نویسند در خوابگاه‌های دانشگاه آزاد که اجاره بهای سنگینی دارد، تا ۱۴ نفر در یک اتاق زندگی می‌کنند. حداقل در یک مورد، راهپیمایی دانشجویان در تهران مورد تعرض نیروهای سرکوب حکومت قرار گرفت و هشت دانشجو دختر و پسر، پس از بازداشت روانه دادگاه شدند.

بنابر گزارش‌ها در یکی از تظاهرات دانشجویان دانشگاه آزاد در تهران، که روز چهارشنبه ۵ خرداد صورت گرفت، دانشجویان پس از آن که مسئولان دانشگاه حاضر به گفتگو با آنها نشدند در برابر درب‌های بسته دانشگاه تجمع کردند. تجمع دانشجویان مورد حملات حزب‌الله قرار گرفت و دانشجویان در زیر حملات شدید آنان به سوی میدان انقلاب راهپیمایی کردند. دانشجویان در شعارهای خود خواهان آزادی دانشجویان دستگیر شده، برکناری جاسبی رئیس دانشگاه آزاد و رسیدگی به مشکلات صنفی خود گردیدند.

دستگیری‌های گسترده

بنا به گزارش‌ها، در جریان تظاهرات چهار خرداد دانشگاه تهران گروهی از دانشجویان دستگیر شدند. منوچهر محمدی یکی از رهبران اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نیز در شمار بازداشت‌شدگان بود که بعد از چند روز آزاد شد.

دستگیری دانشجویان در روزهای بعد ادامه یافت و غلامرضا مهاجری نژاد یکی دیگر از رهبران این اتحادیه همراه با هفت دانشجوی دیگر دستگیر شدند و چند روز در زندان نامعلومی به سر بردند. مهاجری نژاد پس از آزادی اعلام کرد که در زندان با او بسیار بدرفتاری کرده‌اند.

همچنین روزنامه‌های اصلاح‌طلب خبر از دستگیری‌های پی در پی اعضای دفتر تحکیم وحدت و انجمن‌های اسلامی می‌دهند. به نوشته روزنامه جهان اسلام، پس از برگزاری تظاهرات دوم خرداد دفتر تحکیم وحدت در مشهد، دو تن از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد به نام‌های رضا سندگل و اصغر افتاده توسط مامورین وزارت اطلاعات بازداشت شده‌اند. به نوشته این روزنامه، گروهی از دانشجویان از جمله علی صادقی، عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی نیز در تهران توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شده‌اند.

گزارش‌ها همچنین خبر از دستگیری‌های بیشتری در دانشگاه آزاد می‌دهد. به گفته دانشجویان این دانشگاه در واحد تهران، دست کم ۸ نفر از دانشجویان دختر و پسر این دانشگاه به دنبال اعتراض علیه سیاست‌های مستبدانه رئیس این دانشگاه توسط عوامل انتظامی و اطلاعاتی بازداشت شده‌اند.

استمدادهای بی‌پاسخ

در حالی که دانشجویان به طور وحشیانه‌ای زیر فشار دشمنان آزادی قرار دارند و گروه گروه توسط عوامل اطلاعاتی و انتظاماتی دستگیر می‌شوند، استمدادهای آنان از رئیس‌جمهور در جهت حمایت از خواسته‌ها و حقوق دانشجویان، بی‌پاسخ مانده است. به دنبال نامه سرگشاده اعتراضی دفتر تحکیم وحدت به وزیر کشور، به جای آقای وزیر، نیروی انتظامی تهران بزرگ با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد دانشجویان را مورد پیگرد قرار می‌دهد. بنا به این اطلاعیه، دانشجویان با شعارهای تند، پلاکاردهای تحریک‌آمیز و راهپیمایی غیرقانونی، ((بهانه‌های لازم)) را در اختیار مخالفان کرده‌مایی دانشجویی دوم خرداد قرار داده‌اند!

دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد نیز در نامه سرگشاده‌ای از رئیس‌جمهور خواستند از رئیس این دانشگاه به دلیل رفتار توهین‌آمیز با دانشجویان و سرکوب آنان بازخواست کنند و از حقوق دانشجویان دفاع کند. همچنین انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام و جبهه دوم خرداد با ارسال نامه سرگشاده‌ای خطاب به آقای خاتمی نوشت: ((آقای رئیس‌جمهور از دانشجویان دانشگاه آزاد دفاع کنید!))

آقای خاتمی و دولت او تا کنون این نامه‌ها و چندین نامه دیگر دانشجویان را که خواستار قطع حملات عوامل چماقدار، آزادی دانشجویان دستگیر شده و حمایت از خواست‌های دانشجویان شده‌اند، بی‌پاسخ گذارده‌اند.

نبوی: تظاهرات نکنید!

همزمان با اوج‌گیری جنبش دانشجویی و خواسته‌ها و حرکات رادیکال دانشجویان، سران جناح اصلاح‌طلب نگرانی خود نسبت به گسترش جنبش دانشجویی و دشواری کنترل دانشجویان را آشکار می‌کنند. بهزاد نبوی از سران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سازمانی که با هر حرکت و تظاهرات مردمی به مخالفت برخاسته است، در یک کرده‌مایی دانشجویی از دانشجویان خواست که به جای راهپیمایی و تظاهرات، با ((رای)) خود از دوم خرداد حمایت کنند! وی با انتقاد از برگزاری راهپیمایی توسط دانشجویان گفت: ((هر مراسمی که شما گذاشتید، بهره آن را دیگران بردند)). نبوی در ادامه سخنان خود، ((بهره‌جویان)) را از یک سو نیروهای خشونت‌طلب و از سوی دیگر نیروهای غیرحکومتی معرفی کرد که به گفته او در تظاهرات دانشجویی شرکت می‌کنند و ((شعارهای خودشان)) را مطرح می‌کنند. نبوی خواهان پایان دادن به این وضع شد.

زورآزمایی تازه دشمنان آزادی با مطبوعات

چندین مدیر روزنامه‌های اصلاح‌طلب به دادگاه فرا خوانده شدند

از هفته گذشته تهاجم تازه‌ای علیه مطبوعات آغاز شد. دادگاه مطبوعات و دادگاه انقلاب مدیران مسئول مطبوعات مخالف جناح مخالف خامنه‌ای را دسته دسته به دادگاه احضار می‌کنند و بعد از بازجویی و تهدید، مدیر هر روزنامه‌ای را که وثیقه ملکی و یا چک ده میلیارد تومانی برای گرو گذاشتن در دادگاه همراه نداشته باشد، به زندان اوین می‌فرستند. این یورش ادامه ((پروژه محرم)) است که با افشای به موقع آن و هوشیاری مردم شکست خورد.

در فاصله چند روز، فریدون وردی‌نژاد مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی و مدیر روزنامه ایران، سعید حجاریان مدیر و صاحب امتیاز روزنامه صبح امروز، لطیف صفری مدیر مسئول روزنامه نشاط عیسی سحرخیز رئیس پیشین اداره کل مطبوعات وزارت ارشاد، خبرنگاران روزنامه‌های سلام و جهان اسلام، مدیران مسئول ماهنامه‌های زمان و راه نو، یزدان‌پناه مدیر مسئول روزنامه آزاد و احمد زیدآبادی سردبیر همین روزنامه و محمدرضا زهدی مدیر مسئول روزنامه آریا به دادگاه احضار شدند.

زیدآبادی تحت فشار دادگاه انقلاب و هیات نظارت بر مطبوعات در وزارت ارشاد از سمت سردبیری روزنامه آزاد برکنار شد. سحرخیز را به اتهام صدور مجوز چاپ و انتشار ویژه‌نامه روزنامه زن در دادگاه انقلاب به محاکمه کشیدند و وادار به استعفا کردند. حجاریان با سپردن ۴۳ میلیون تومان وثیقه تجربه زندان اوین را به تعویق انداخت، اما وردی‌نژاد و زهدی مدیر مسئول آریا روانه زندان شدند. وردی‌نژاد با پرداخت ۱۸ میلیون تومان بعد از یک شب اوین را ترک کرد و زهدی چون نتوانست ۲۱ میلیون تومان وثیقه آزادی خود را سریعاً تهیه کند، طولانی‌تر در زندان ماند.

آزادی لطیف صفری، وردی‌نژاد، زهدی، زیدآبادی و سردبیران و مدیران مطبوعاتی که با پرداخت وثیقه‌های سنگین از بازداشت رهایی یافته‌اند، موقتی است و شمشیر داموکلس دادگاه انقلاب، لغو امتیاز و تعطیلی روزنامه، محاکمه و زندان، بالای سر یک به یک آنان آویخته است. جناح محافظه‌کار فقط مترصد فرصت مناسب است، فرصتی که بتواند صدای مطبوعات مخالف را خاموش کند و بساط آزادی نیم‌بندی را که با مبارزه مردم بر رژیم تحمیل شده است، برچیند.

همزمان و در هماهنگی با دادگاه انقلاب و دادگاه مطبوعات، نمایندگان جناح خامنه‌ای در مجلس نیز برای تنگ کردن حلقه محاصره مطبوعات به جنب‌وجوش افتاده‌اند و قصد دارند قانون مطبوعات را ((اصلاح)) کنند. آنان می‌خواهند با تغییر قانون مطبوعات اختیارات قوه قضائیه و هیات‌نظارت را در سرکوب مطبوعات باز هم بیشتر کنند و به جریان‌های رادیکال جنبش امکان حضور و حیات ندهند.

مطبوعات مقاومت می‌کنند

تهاجم جناح راست علیه مطبوعات، بدون واکنش نبوده است. شعبان شهیدی معاون وزیر ارشاد روز سه‌شنبه ۱۱ خرداد صراحتاً اعلام کرد: من به عنوان معاون امور مطبوعاتی وزیر کشور به شیوه رفتار با مطبوعات رسماً اعتراض دارم. وی در نقد طرح اصلاح قانون مطبوعات گفت قوانین به گونه‌ای نباشد که قفل باشد که به دست مطبوعاتی‌ها هم می‌زنیم.

روزنامه سلام یورش به مطبوعات را حمله علیه برنامه‌های رئیس‌جمهور خواند و نوشت: نظریه‌پردازان و نقشه‌سازان جناح محافظه‌کار به خوبی می‌دانند که حمله به مطبوعات حمله به عمود خیمه برنامه‌های رئیس‌جمهور است، غافل از این که امروز دیگر این استوانه‌ها به لحاظ تعداد و توان به قدری گسترده و قدرتمند شده‌اند که اگر به هر ترتیبی یکی از آنها مورد هدف قرار گیرد، زخمی یا واژگون شود، بلافاصله دیگرانی جای خالی آن را پر خواهند کرد.

وزارت ارشاد نیز با اختصاص یک بودجه ۵۰۰ میلیون تومانی برای اعطای وام به مدیرانی که به دادگاه احضار می‌شوند و برای آزادی خود احتیاج به وثیقه دارند، به پشتیبانی از اهل مطبوعات برخاست. اگرچه حمایت این وزارت‌خانه از همه مطبوعات به یکسان نیست و به نسبت دوری و نزدیکی روزنامه‌ها به سیاست‌های این وزارت‌خانه متفاوت است.

همچنین انجمن صنفی روزنامه‌نگاران با صدور اطلاعیه‌ای از قوه قضائیه خواست به احضار مدیران مطبوعات پایان دهد و به جای بازداشت روزنامه‌نگارانی که در حین انجام وظیفه مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، به وظیفه قانونی خود عمل کند.

آن چه امروز علیه مطبوعات صورت می‌گیرد، با انتخابات مجلس ششم که قرار است اسفند ماه سال جاری برگزار شود، بی‌ارتباط نیست. فراهم ساختن شرایط ((انتخابات کنترل شده))، بدون حضور احزاب و شخصیت‌های غیرحکومتی و جلوگیری از تکرار شکست‌های پیشین، یکی از انگیزه‌های یورش اخیر است. اما باید تاکید کرد این تهاجم و لشکرکشی هماهنگ استبداد علیه مطبوعات تنها به انتخابات مجلس ششم و کسب اکثریت کرسی‌های آن محدود نمی‌شود. مطلوب جریان استبداد، سرکوب مطلق جنبش دوم خرداد و حذف مردم از صحنه سیاسی کشور و ایجاد اختناق است. دشمنان آزادی می‌دانند در شرایطی که مردم در صحنه باشند و مطبوعات روز به روز جسورانه‌تر به روشنگری و نقد نظام بپردازند، قدرت نیروی استبداد به مرور زمان مثل برف آب خواهد شد.

مردم و مطبوعات در فضای سیاسی کشور در یک رابطه متقابل با هم قرار دارند. روزنامه‌ها جسارت و صراحت خود را از حضور مردم می‌گیرند و مردم در شرایط فقدان احزاب و تشکل‌های سیاسی تنها از طریق مطبوعات است که به یک نیروی یکپارچه و اراده واحد بدل می‌شوند. این نیرو، علیرغم توانایی‌هایی که دارد همیشه در حال دلهره است. دلهره توطئه تازه‌ای که باید خنثی کند و پیش برود. اگر روزنامه‌ها را تعطیل کنند، بسیج مردم چنانچه ناممکن نباشد، دشوار خواهد بود. بی‌دلیل نیست که روزنامه‌های جمهوری اسلامی حکم ((جهاد)) علیه

مطبوعات صادر می‌کند، و برای شوراندن حزب‌الله علیه مطبوعات می‌نویسد: ((چرا انقلابیون در مقابل قلم‌های مسموم ساکت هستند و اقدامی نمی‌کنند)). روزنامه کیهان در تهاجم علیه مطبوعات ((آتش‌بس)) را رد می‌کند و مقابله با مطبوعات را با جنگ ایران و عراق مقایسه کرد و نوشت: آتش‌بس به معنی آن است که دشمن خاکریزهای خود را حفظ کند، باید اصلاح‌طلبان را شناسایی کرد و فضای فرهنگی و اطلاع‌رسانی را از وجود آنان پاک ساخت.

اگر امروز در برابر این تهاجمی که کیهان و جمهوری اسلامی هم‌صدا با قوه قضائیه و مجلس به راه انداخته‌اند و خواهان تداوم آن تا به ((آخر)) هستند، نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب عرض‌اندام نکنند و تنها به صدور اطلاعیه و نكوهش آن اکتفا کنند و یا پاسخ آن را به نتایج انتخابات مجلس ششم وعده دهند و حتی بدتر از آن، از سر خوش‌بینی حرف‌های دانشجویان و جریان رادیکال جنبش را اندرز دهند که ((نباید بهانه به دست دیگران داد))، فردا دعوت به پایداری و استقامت دیر خواهد بود. تنها با برپایی تشکلهای صنفی اقشار و طبقات اجتماعی، فعالیت احزاب سیاسی غیرحکومتی و سندیکاهاى مستقل می‌توان به دلهره توطئه ارتجاع پایان داد و با گام‌های استوار راه سازندگی را پیش گرفت. مطبوعات باید با هر امکانی انجمن صنفی خود را تقویت کنند و آن را در جهت حمایت بی‌قید و شرط از روزنامه‌نگاران قرار دهند.

در یک حکم آشکارا مقابله‌جویانه با خواست مردم خامنه‌ای رئیس صدا و سیما را ابقا کرد

خامنه‌ای هفته گذشته با انتشار اطلاعیه‌ای، علی لاریجانی سرپرست صدا و سیما را به مدت ۵ سال دیگر در سمت خود ابقا کرد. رهبر حکومت اسلامی در این اطلاعیه ضمن تایید اقدامات لاریجانی و تمجید پرشور از او که بیشتر دهن‌کجی به مردم بود، تاکید کرد وی بر گزارش‌ها و اخبار نظارت بیشتری کند و راه نفوذ فرهنگ غرب را از طریق صدا و سیما بگیرد.

لاریجانی در شرایطی در سمت خود ابقا شد که مردم پیوسته در همایش‌های مطالباتی و اعتراضی خود برکناری وی را خواستار می‌شوند. صدای دانشجویان و جوانانی که در خیابان‌ها علیه لاریجانی شعار می‌دهند و فریاد می‌زنند ((صدا و سیما ما در دست انحصار است!)) بدون شک به گوش خامنه‌ای رسیده است و او می‌داند سرپرست صدا و سیما از چهره‌های منفور حکومت در میان مردم و به ویژه جوانان است. اما خامنه‌ای و جناح محافظه‌کار بدون توجه به خواست‌های مردم، ادامه برنامه‌های ارتجاعی خود را دنبال می‌کنند. در ایران رویدادی به عظمت دوم خرداد روی داده است اما دوم خرداد به درون دیوارهای صدا و سیما نفوذ نکرده است.

در این رسانه جمعی که ده‌ها میلیون نفر را تحت پوشش دارد و بخش عظیمی از بودجه آن با پول این مردم تامین می‌شود، هم چنان به خواست‌های مردم بی‌اعتنایی می‌شود و همان سیاستی دنبال می‌گردد که قبل از دوم خرداد بر آن حاکم بود. انتصاب مجدد لاریجانی به سرپرستی صدا و سیما از سوی خامنه‌ای تایید آشکار دشمنی او با مردم است. علی لاریجانی تاکنون در صدا و سیما یکجانبه در دفاع از جناح خامنه‌ای عمل کرده و همواره با مخالفان این جناح با زبان تفکیر و دشنام سخن گفته است.

در عرصه فرهنگی و هنری و بازتاب رخدادهای کشور نیز صدا و سیما کارنامه سیاهی دارد. برنامه‌های صدا و سیما، موعظه‌های تکراری و خسته‌کننده جریان راست و چنان کسالت‌آور است که مردم رغبت دیدن آن را ندارند. رئیس صدا و سیما گوش خود را بر هر انتقادی بسته و هیچ قدمی در راه اصلاحات مورد درخواست مردم برنداشته است. خامنه‌ای لاریجانی را ابقا کرده است تا به همین سیاست ادامه دهد، گزارش‌ها و فیلم‌های فاقد ارزش به مردم تحمیل کند و رخدادهای کشور را به نفع مستبدین تحریف کند.

ما با مردم ایران هم‌زمانیم که صدا و سیما باید از دست ((انحصار)) خارج شود. رادیو و تلویزیون رسانه‌ای ملی است و به همین دلیل باید از طریق شورای مرکب از نمایندگان همه احزاب و طبقات اجتماعی اداره شود.

مجلس، دادگاه ویژه روحانیت را قانونی کرد

مجلس شورای اسلامی با افزودن یک ماده به لایحه آئین دادرسی، دادگاه ویژه روحانیت را به تشکیلات دادگستری ملحق و آن را قانونی کرد.

اکنون مدتها است که طیف گسترده‌ای از دانشجویان، آزادیخواهان و گروهی از روحانیون، دادگاه ویژه روحانیت را فاقد وجهت قانونی می‌دانند. آنها می‌گویند در قانون اساسی هیچ‌گاه چنین دادگاه ویژه‌ای به رسمیت شناخته نشده است و تنها موردی که در آن تجویز شده، اصل ۱۷۳ می‌باشد که محاکم خاص نظامی را پیش‌بینی کرده است. اصل ۱۵۹ قانون اساسی تنها مرجع رسمی تظلمات و شکایات را دادگستری می‌داند. شدت اعتراضات علیه دادگاه ویژه روحانیت، محافظه‌کاران و مرتجعان را بر آن داشت که لایحه‌ای را جهت

تصویب به مجلس و مجمع تشخیص مصلحت آماده سازند و این نهاد ارتجاعی و سرکوبگر را به عنوان بخشی از تشکیلات قضایی کشور رسمیت بخشند و همه ساله بودجه مصوب این نهاد را در ردیف بودجه دادگستری تامین کنند و دست این نهاد را در سرکوب روحانیت منتقد بیشتر باز گذارند.

پیشنهاد مزبور به این صورت به تصویب مجلس رسید: ((دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت بخشی از دادگستری است که به جرائم روحانیون در سراسر کشور رسیدگی می‌کند. دادستان ویژه روحانیت کل کشور و رئیس شعبه اول دادگاه توسط رهبر انقلاب تعیین می‌شود. بر اساس تبصره این ماده الحاقی به آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، آئین‌نامه اجرایی، تشکیلات و چگونگی عزل و نصب قضات دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت توسط دادستان ویژه روحانیت با هماهنگی رئیس قوه قضائیه تهیه و پس از تأیید رهبری لازم‌الاجرا است.)) بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ گروهی از اصلاح‌طلبان معمم شرایط و فضا را برای اظهار اندیشه خود در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی نسبت به گذشته بازتر یافتند و در صدد برآمدند که درک خویش را در حوزه دین و سیاست عریان‌تر سازند. ترویج این اندیشه در حوزه‌های علمیه، مخاطبین زیادی یافت. تشدید این فعالیتها منجر به فشار همه جانبه‌ای از سوی ارگانهای قضائی حکومت و دادگاه ویژه روحانیت علیه این بخش از روحانیون گردید و عده‌ای از آیات اعظام را در خانه‌هایشان محبوس ساخت. زیرا که تلاش خامنه‌ای و قاضی‌القضات وی بر این بود حوزه‌های علمیه را به تحت فرمان خود درآوردند و اطاعت و تقلید آنها از رهبری را امری لازم و شرعی جلوه دهند و هر نوع مخالفت و مقاومتی را در درون روحانیت از طریق وزارت اطلاعات و دادگاه ویژه روحانیت سرکوب نمایند.

در یورش‌های متعدد، گزمنکان حکومت عمامه از سر برخی آیات اعظام برگرفتند و دیوار بیت آنان را بر سرشان خراب کردند و اموال شخصی آنان را به تاراج بردند.

از همین رو با دستگیری و محاکمه تعدادی از روحانیون حوزه‌های علمیه، توسط دادگاه ویژه روحانیت، تنش درون جناح‌های حکومتی بالا گرفت و جدال هرچه گسترده‌تری را بین آنان دامن زد. محافظه‌کاران به کمک دادگاه ویژه روحانیت بخشی از روحانیون بلندپایه چون آیت‌الله منتظری، آیت‌الله بیات، آیت‌الله طاهری و آقایان عبدالله نوری، سعیدزاده، کدیور و تنی دیگر را تحت فشار قرار داده و تعدادی از آنان را به حبس محکوم کردند. متهمین دادگاه ویژه روحانیت با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی و تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب، بدون امکان برخورداری از وکیل مدافع مورد محاکمه قرار می‌گیرند.

بکارگیری نظام عقب مانده قضاوت و تقابل آن با معیارهای امروزی و متعارف دادگستری، بیانگر استبداد و خودکامگی در قوه قضائیه کشور و ماهیت نظام مبتنی بر ولایت فقیه است.

جامعه ما در طلب تجدیدنظر و تحول اساسی در سیستم قضائی موجود و جایگزینی قوانین انسانی، لائیک و دمکراتیک امروزی به جای قوانین کهنه و عقب‌مانده برگرفته از شریعت می‌باشد. تفکیک قوانین دادگستری به دادرسی‌های انقلاب، دادرسی‌های ویژه روحانیت و دادرسی‌های عمومی و بکارگیری قوانین خاص و ویژه در هر یک از این نهادها خودساخته، تنها ناشی از افکار ایدئولوژیک و قرون وسطائی مستبدین نظام اسلامی است که در تضاد کامل با قوانین متعارف و شناخته شده در سطح جهان قرار دارد.

بسیاری از روحانیون نیز با مشاهده اقدامات سرکوب‌گرایانه دادگاه روحانیت با این خواست مردم و آزادی‌خواهان همزمان شده‌اند که دادگاه ویژه روحانیت بر اساس یک تبعیض میان روحانیون و سایر روحانیون تشکیل شده اما اینک به چماقی علیه روحانیون اصلاح‌طلب نیز بدل شده و باید منحل شود. قانونی کردن این نهاد تغییری در این خواست نمی‌دهد.

خزعلی: هر چه شورای نگهبان گفت، همان است!

به همان نسبت که اصلاح‌طلبان حکومت به دنبال سخنان خامنه‌ای در مورد نظارت استصوابی موضع خود را معتدل کرده و اطمینان می‌دهند که هدف آنها از حذف نظارت استصوابی به هیچ وجه آن نیست که پای ملی‌گرایان و مخالفین حکومت به مجلس باز شود، محافظه‌کاران بر تهاجمات خود و دفاع از نظارت استصوابی افزوده‌اند و تاکید می‌کنند که ((یک قدم)) هم عقب نخواهند نشست. آیت‌الله خزعلی یکی از فقهای شورای نگهبان اخیراً در یک سخنرانی گفت: ((شورای نگهبان اگر در باره مسأله‌ای گفت درست است، دیگر تمام شد و اگر گفت باطل است، تمام شد)). وی که در رشت برای سربازان لشکر ۱۶ پیاده قدس سپاه پاسداران سخنرانی می‌کرد، گفت: ((ما هرگز درباره اعمال نظارت استصوابی زره‌ای از مواضع خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم و نمی‌گذاریم ارزشهای بدست آمده خدشه‌دار شود)) خزعلی افزود: ((ما در شورای نگهبان مواظب آن هستیم تا جوانانمان طعمه جهنم نشوند.)) عضو فقهای شورای نگهبان سپس گفت: ((اگر یک کاندیدا دارای صلاحیت باشد، مسلم است که شورای نگهبان هم او را تایید می‌کند و اگر داوطلبی با خانمی خوش و بش داشته یا پولی از جایی به دست آورده، یا ولایت فقیه را قبول نداشته باشد، ملی‌گرا و یا سلطنت طلب و یا طرفدار مصدق باشد قبول نمی‌شود)). وی افزود: ((درباره قوانین مجلس نیز نظر استصوابی شورای نگهبان، حق و باطل را مشخص می‌کند، ولو اینکه ۲۷۰ نماینده به آن رای داده باشند)).

دادگاه سردار نقدی دور از چشم مردم جریان دارد هراسان از برهم خوردن ((نظم عمومی))

یکسال پیش در چنین روزهایی محاکمه علنی کرباسچی شهردار تهران بر مبنای اعترافاتی که به زور شکنجه سردار نقدی و یارانش از شهرداران مناطق تهران گرفته شده بود، آغاز شد. در آن هنگام میلیون‌ها نفر از مردم کشورمان در مقام اعضای هیئت منصفه چند میلیونی جزئیات روند دادگاه را تیزبینانه موشکافی می‌کردند تا بدانند او چه کرده است و حاکمان بر سرنوشت او چه می‌کنند. اما امروز یکسال پس از این ماجرا، پنج جلسه از محاکمه نقدی و سه تن از نزدیک‌ترین زیردستان او که به اعمال شکنجه برای گرفتن اقرار متهم‌اند به رغم تمایل عمومی مردم برای علنی بودن آن، در پشت درهای بسته برگزار شده است و در لحظاتی که این شماره نشریه به زیر چاپ می‌رود ششمین جلسه آن جاری است.

طباطبائی قاضی دادگاه که مختار است در مورد علنی بودن یا غیرعلنی بودن دادرسی تصمیم بگیرد با استناد به اصل ۱۶۵ قانون اساسی رژیم که می‌گوید ((محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن‌که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد))، جریان دادگاه را غیرعلنی اعلام نمود. با توجه به این اصل قانون اساسی رژیم از آنجا که هر دو طرف دعوا خواستار علنی بودن دادگاه بوده‌اند و با توجه به این‌که طرح مسائل منافی عفت عمومی در دادگاه نامحتمل است، قاعدتا قاضی این دادگاه هراس دارد که افشای جزئیات مربوط به شکنجه شهرداران تهران ((نظم عمومی)) را برهم زند. هراسی که تباین کامل با برآوردهای بالاترین مقامات رژیم چون خامنه‌ای، خاتمی و رفسنجانی است. چرا که آنان به‌ویژه در روزهای اخیر به کرات ادعا کردند که حکومت جمهوری اسلامی بسیار پرتبات است.

اما واقعا هم این‌طور است که افشای دقایق مربوط به اعمال شکنجه و آزار زندانیان و همچنین روشن شدن حقایقی در ارتباط با قتل زنده‌یادان فروهرها، مختاری و پوینده، می‌تواند به سرعت آگاهی عمومی مردم را در مورد خصائل حکومتی که بر آنان فرمان می‌راند بالا برد و حکمرانی را برای حاکمان دشوار سازد. از این روست که حکومتگران به دقت مواظب پایین ماندن و پایین کشیدن فتیله‌ها هستند تا مبادا که با بالا رفتن آنها، دامنشان شعله‌ور گردد.

نخستین و دومین جلسه محاکمه نقدی در جوی متفاوت با سه جلسه بعدی آن برگزار شد. علیزاده طباطبائی وکیل شهرداران تهران و عضو شورای شهر تهران هم‌زمان با نخستین جلسات در مقابل سخنان نیازی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح که ادعا کرده بود ((شکنجه‌ئی در کار نبوده)) یا ((تخلفات صورت گرفته مستقیما به آقای نقدی ارتباط ندارد)) در مصاحبه با مطبوعات داخلی اظهار داشت که ((براساس مستندات ما، نقدی شخصا در قضیه شهرداران دخالت داشته و نقش او در این زمینه تنها به آمریت در ارتکاب آزار و اذیت بدنی خلاصه نمی‌شود)). او با اعتراض به این‌که ((چرا یک مقام قضائی که در این پرونده سمتی ندارد قبل از پایان دادگاه اظهار نظر کرده است)) اعلام کرد از دادگاه خواسته است گفته‌های نیازی تکذیب شود، وگرنه وی ((مدارک و مستنداتی در زمینه آزار مدیران شهرداری را که در دست دارد در اختیار مطبوعات قرار خواهد داد)).

در آن هنگام وی و حکیمی‌پور عضو دیگر شورای شهر تهران، در کنار این خواست عمومی که دادگاه علنی باشد، به‌طور خاص نیز شرکت در جلسات دادگاه را حق اعضای شورای شهر دانستند تا در جریان ریز مسائل مطروحه قرار گیرند. متعاقبا نیز شورای شهر تهران با صدور نامه سرگشاده‌ای به یزدی، رسیدگی به جرائم نقدی و یارانش را در صلاحیت محاکم عمومی دانست و ضمن درخواست اصلاح روند حاکم بر جلسات، خواستار آن شد که اعضای شورا به عنوان نماینده افکار عمومی و اراده اهالی تهران در جلسات دادگاه حاضر شوند و گزارشات لازم را به اطلاع مردم برسانند. اکنون با وجود گذشت چند هفته از نوشتن این نامه و برگزاری چند جلسه دیگر محاکمه، خبری از پاسخ یزدی به این نامه و میزان پی‌گیری نویسندگان نامه در دست نیست.

در جلسات بعدی محاکمه، شاکیان و وکیلانشان مفاد شکایتشان را به دادگاه ارائه کردند. نقدی در چهارمین جلسه، صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به اتهاماتش را به زیر سوال برد و در جلسه پنج دادگاه قاضی آن بر صلاحیت دادگاه تاکید کرد. مطبوعات داخل کشور که مجددا به شدت تحت فشار قرار گرفته‌اند گزارش سه جلسه اخیر را تنها در یکی دو پاراگراف کوتاه به مردم ارائه دادند. مدیران مسئول این روزنامه‌ها اکنون بیشتر دست به عصا حرکت می‌کنند چرا که دیدند چگونه مدیر مسئول روزنامه ایران به دلیل انتشار اظهارات از پیش‌افشاشده شاکیان دادگاه، تحت تعقیب دادگاه مطبوعات قرار گرفت و به سپردن وثیقه مالی سنگین محکوم شد.

به این ترتیب تا زمانی که جو فعلی حاکم بر کشور ادامه دارد، انتظار نمی‌رود که حکم دادگاه توقعات شاکیان زجر دیده را به میزان قابل قبول برآورده کند. نقدی و یارانش پشتگرم به کسانی هستند که به لطائف‌الحیل نمی‌گذارند تا کوس رسوائی همراهانشان بر سر هر بام و برزن شنیده شود. حامیان شاکیان نقدی چند هفته‌ای است که زبان در کام فروبرده‌اند. می‌توان تصور کرد که رئیس جمهور به‌احتمال زیاد به این ((پیروزی)) که این

موضوع را به دادگاه کشانده است، قناعت خواهد کرد. نیازی در مورد نقدی و همدستانش گفته بود که هر کس تخلف کرد باید با او برخورد کرد، اما نه آن‌گونه که دیگر نتواند ((خدمت)) کند. با این وصف اگر هم نقدی و شرکایش در دادگاه مورد عتاب قرار گیرند و احکامی برای آنان صادر گردد، ولی بی‌شک کوشش فراوانی خواهد شد این حکم در حدی نباشد که آنان را از ادامه ((خدمت)) که چه بسا ادامه شکنجه‌گری (البته به شیوه‌های پیشرفته‌تر و کم‌عارضه‌تر) باشد، بازدارد.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به‌دفاع از مطبوعات مستقل و منتقد برخیزیم!

نیروهای ارتجاعی بعد از زمینه‌سازی در طی چند ماه اخیر و بدنبال صحبت‌های اخیر خامنه‌ای، بار دیگر به مطبوعات مستقل و منتقد یورش آورده‌اند. آنها از مدت‌ها قبل از کانال عناصر، ارگانها و نهادهای وابسته به جناح حاکم، شکایات متعددی را علیه روزنامه‌های مستقل و منتقد سازمان داده‌اند تا دادگاه مطبوعات با دستاویز قراردادن آن شکایتها، مدیران مسئول روزنامه‌ها را به محاکمه بکشاند. در روزهای اخیر فریدون وردی‌نژاد مدیر عامل خبرگزاری ایرنا و مدیر مسئول روزنامه ایران، سعید حجاریان مدیر مسئول روزنامه صبح امروز، محمد رضا زهدی صاحب امتیاز و مدیر مسئول آریا، لطیف صفری مدیر مسئول روزنامه نشاط توسط دادگاه مطبوعات احضار و مورد بازپرسی قرار گرفتند و با سپردن وثیقه‌های سنگین آزاد شدند. در عین حال خبرهای رسیده حاکی است که تاج‌بخش خبرنگار روزنامه جهان اسلام دستگیر شده، زیدآبادی سردبیر نشریه مناطق آزاد بر اثر فشار دادگاههای انقلاب از مسئولیتش کنار رفته و سحرخیز مدیر سابق بخش مطبوعات وزارت ارشاد بخاطر اجازه صدور برای انتشار روزنامه زن به محاکمه کشیده شده است. این اقدامات بدنبال تبلیغات سنگینی است که در ماههای اخیر در خطبه نماز جمعه‌ها، در روزنامه‌های وابسته به جناح حاکم و در موضع‌گیریهای سرکردگان نیروهای ارتجاعی علیه مطبوعات مستقل و منتقد صورت می‌گرفت.

مردم ایران و نیروهای آزادیخواه کشور!

در شرایط کنونی با فقدان حضور فعال احزاب سیاسی در کشور، مطبوعات مستقل و منتقد نقش بارزی را در آگاه سازی مردم، در افشای توطئه‌های جناح حاکم و در پیشبرد روند اصلاحات سیاسی در کشور بازی می‌کنند. از این رو نیروهای ارتجاعی تمام قوای خود را جمع کرده‌اند تا مطبوعات مستقل و منتقد را از صحنه مطبوعاتی کشور حذف کنند. آنها با حذف این مطبوعات و ایجاد فضای خفقان در کشور می‌خواهند به مقاصد خود در انتخابات دوره ششم مجلس شورا دست یابند.

ما همه نیروهای آزادیخواه کشور را فرا می‌خوانیم که از حیات مطبوعات مستقل و منتقد حمایت کرده و علیه سرکوب آنها برخیزند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۳۱ ماه مه ۱۹۹۹



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany